

واژه‌نامهء گویش به‌دینان شهریزد

فارسی به گویش همراه با مثال

جلد نخست (آ - پ)

دکتر جابون مزدآپور

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با همکاری



نشر هیثمیا

۱۴۰۰



با همکاری



نشر هیرمیا

واژه‌نامه گویش به‌دینان شهریزد

دکتر کتابون مزداپور

ناشر: هیرمیا
آماده‌سازی: کارگاه نشر هیرمیا
زیر نگار: بهنام مبارکه
طرح جلد: مهریانو سهراب
طراح فونت اوستایی و پهلوی: بهنام مبارکه
نوبت چاپ: اول (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
دوم (هیرمیا، نخستین چاپ ناشر) زمستان ۱۴۰۰
شمارگان: ۷۵۰ نسخه
چاپ، صحافی: ایران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۲۶-۷-۰

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۲۶-۸-۷

شماره نشر: ۱۴۰۰-۱۲/۴۰۱-۵/۳۸

تهران - کارگر شمالی بالاتر از بلوار کشاورز کوچه میر بلاک ۱۸

کد پستی ۱۴۱۸۷۵۴۴۵۳ تلفن: ۶۶۹۰۱۳۷۸

همراه: ۰۹۱۹۰۰۹۵۲۴۹ - ۰۹۱۲۶۸۷۶۹۵۲

همه‌ی حقوق برای نشر هیرمیا نگهداری شده است

پیشگفتار

۷	۱.۱. نام زبان و نام کتاب
۱۰	۲.۱. لهجه‌های زبان دری زرتشتی
۱۷	۳.۱. لهجه شهر یزد
۲۰	۴.۱. بقای لهجه دری محلی

۲۳	۱.۲. جایگاه تاریخی و جغرافیائی زبان
۲۹	۲.۲. وامواژه‌های عربی
۳۳	۳.۲. تنوع تاریخی واژه‌ها
۴۵	۴.۲. زبان دری زرتشتی و سنت کتابت

۵۹	۱.۳. روش کار
۶۳	۲.۳. درباره کتاب راهنمای گردآوری گویشها
۷۴	۳.۳. درباره مثالها
۷۷	۴.۳. گویشوران

۸۳	۱.۴. شیوه نگارش کتاب
۸۵	۲.۴. سرواژه‌ها و معادل‌های گویشی
۹۲	۳.۴. نشانه‌ها و رسم‌الخط فارسی
۹۴	۵. سپاسداری

۹۶	۱.۶. فهرست واجهای گویش بهمدینان شهر یزد
۱۰۰	۲.۶. ملاحظات درباره همخوان‌ها
۱۰۳	۳.۶. ملاحظات درباره واکه‌ها
۱۰۵	۴.۶. ملاحظات درباره ابدال برخی آواها
۱۱۲	۵.۶. ملاحظات درباره نحو زبان
۱۱۵	۶.۶. صرف چند فعل

۱۳۵	آ
۲۰۳	الف
۲۷۹	ب
۴۳۷	پ

پیشگفتار

۱.۱. نام زبان و نام کتاب

زرتشتیان امروزی ایران به زبانی با یکدیگر سخن می‌گویند که خود، آن را «دَری» و «گوری» (gavti) و «گورونی» (gavruni) می‌نامند. درِی زرتشتی را، با داشتنِ لهجه‌های متعدد، بیگمان باید زبان مستقلی شمرده؛ زیرا گویندگانِ آن با وساطتِ آن نمی‌توانند با سخنگویانِ زبانهای دیگر، از آن جمله با فارسی‌زبانان، به تفهیم و تفاهم بپردازند. این زبان در شمارهٔ واجها، واج آرائی، آواشناسی، و نیز در ساخت واژه و نحو با فارسی تفاوت دارد؛ همچنین بررسی تاریخی نشان می‌دهد که از نظرگاه تکوین هم به گروهی جدا از زبان فارسی درِی متعلق است. این زبان، که اصالتاً زبان مادری برای بهدینان ایرانی بوده و از دیرباز با فارسی همزیستی و همپایی داشته است؛ هم دارای فهرست درازی از واژه، با بار معنایی و فرهنگی و ساخت آوایی متمایز است و هم، در عین حال، مفاهیم آن محل برخورد دو زبان، و در نتیجه، آزمایشگاهی زنده برای بررسی دادوستد آنها است.

همچنان‌که به احترام زبان فارسی درِی، که زبان رسمی کشور است، در نامگذاری، این کتاب به جای «زبان»، اصطلاحاً واژهٔ «گوش» به کار رفته؛ برای پیشگیری از اشتباه، لفظ «درِی» نیز از عنوان آن افتاده است تا مبدا در نگاه نخستین، آمیختگی و دشواری پیش آید. با آن که کاربرد اصطلاح گوش به جای زبان، قرار داد پذیرفتنی و روشنی است، ولی نمی‌توان حذف واژهٔ درِی را از عنوان کتاب آسان پذیرفت؛ زیرا خودِ گویندگان، زبان خود را چنین می‌خوانند و این نام را در تقابل با فارسی به کار می‌برند. گرچه شکوه و جلال زبان

فارسی لفظ دری را ناگزیر تصاحب می‌کند، اما علم، خواه‌ناخواه، خواهد پرسید که چرا این واژه مبهم و ناروشن برای نامیدن این هر دو زبان به کار رفته است و بیگمان از ما نخواهد پذیرفت که بگوئیم گروهی از مردم به اشتباه این نام را بر زبان خود نهاده‌اند.

چگونه می‌توان این کاربرد دو وجهی و متناقض را توجیه کرد؟ شاید اگر واژه «دری» را به معنای لفظ قدیمی و اصیل و درست بگیریم، بتوانیم بپذیریم که وجه تسمیه زبان زرتشتیان، بازماندن آن از زبان کهنی است که پیش از رواج فارسی در منطقه یزد همگانی بوده و برای مردم آن سامان بومی به شمار می‌رفته است. سپس در برابر نفوذ گسترده و روز افزون فارسی، که زبان میانگان^۱ و رایج در بازار و نزد بازرگانان و سپاهیان و حکومت و شهر بوده، از تداول عامه مردم دامن برچیده و روی به فراموشی نهاده است. اما اقلیت دینی زرتشتی و نیز کلیمیان، هر یک گونه‌ای از آن را نگاه داشته‌اند و آن را بعنوان زبان ویژه خود به کار برده‌اند یا پذیرفتن این نظر قدیمی، باید گفت که زرتشتیان نیز به اعتبار پیوستاری آن زبان با زبان قدیمی ناحیه، در برابر فارسی تازه‌وارد، به آن «دری» گفته‌اند. این فرض را شباهت آن با زبانهای نواحی همسایه، مانند نائین و انارک^۲ و نطنز و اردستان و گز تأیید می‌کند.

به یک احتمال دیگر، نیز شاید بتوان واژه «دری» را به معنای زبان میانگان گرفت. در این صورت، در برابر «فارسی دری»، که لهجه ایرانی غربی و جنوبی است، شاید نوعی «دری» دیگری هم بوده است که به گروه زبانهای غربی و شمالی ایرانی بازمی‌گشته و در ناحیه مادی‌نشین، که اینک گروه زبانهای مرکزی ایرانی نوین در آن متداول است^۳ به آن گفتگو می‌شده است. با این فرض، زبان دری زرتشتی با بنیادهای کهن دینی زرتشتی در پیوندی نزدیک‌تر خواهد بود؛ زیرا اساساً موبدان و مغان را از قبائل مادی می‌شمارند و احتمال دارد زبان این مردم، با داشتن رجحان و صبغه دینی، بعداً به عموم پیروان دین باستانی ایران و همه بهدینان، که خود بازمانده اقوام و مردمی گوناگون و ساکن نواحی مختلف این

1- lingua franca.

۲- ای. م. آرانسکی، مقدمه فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۸، صص ۳۱۹-۳۲۰.

3- V.S. Rastorgueva, Sravnitelno - istoricheskaia grammatika zapadnoiranskikh iazykov, Fonologiya, Moskva (Nauka), 1991, P.16.

سرزمین بوده‌اند، انتقال یافته باشد. روشن است که در این فرضیه، تضادی وجود دارد: آیا موبدان که نوشته‌های دینی زرتشتی را به فارسی میانه پدید آورده‌اند، خود در خانه و در میان خود به زبان «مادی دری» سخن می‌گفته‌اند؟ به هر تقدیر، باید اذعان داشت که میان اصطلاحات دینی زبان دری زرتشتی با آنچه در کتابهای پهلوی و حتی فارسی زرتشتی می‌آید، گاهی تفاوت‌هایی هست.^۱

امکان دیگر در انتخاب نام برای این زبان، نهادن نام «گوری» بر آن است. اما این نامگذاری نیز پسندیده نیست، زیرا با لغت «گبر» و «گور» (gowr)، که صورت عامیانه آن است، یکنثایی دارد و در آن توهین و تحقیری ناشایست هست. به همین علت، کاربرد چنین نام ناخوشایندی را، خلاف شهرت این زبان به «گبری» در نزد پژوهندگان خارجی، نمی‌توان درست شمرد. اما یادآوری یک نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد و آن، وجود این نام در خود زبان است: زرتشتیان نه تنها زبان خود را «گوری» و «گورونی» می‌گویند، بلکه خود را نیز احتراماً «گور» و «گورون» می‌خوانند و واژه «گور» (gavt) به معنای «زرتشتی» و «مرد زرتشتی» است. پیدایش و اشتقاق این واژه چگونه است و چرا واژه در درون گروه بار معنایی مثبت و در بیرون آن بار معنایی منفی دارد و از چه روی بازماندگان پیروان کیش باستانی ایران چنین نامیده می‌شوند؟ آیا این نامگذاری از سوی خودی بوده است یا بیگانه؟

بدین شمار، از این هر دو نامی که گویندگان برای نامیدن زبان خود به کار می‌برند، هیچ‌کدام را نمی‌توان برای نامگذاری کتاب حاضر برگزید. آنچه باز می‌ماند پیشنهاد هوشیارانه و سنجیده شادروان استاد پوردادوست است که به مناسبت آن، کتاب «فرهنگ بهدینان» نیز نام گرفته است.^۲ با توجه به همه این ملاحظات و نکته‌ها است که عنوان «واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد» اختیار شد؛ هرچند که نامهایی مانند «واژه‌نامه زبان دری زرتشتی» یا «واژه‌نامه زبان گوری» دقیق‌تر و درست‌تر است. بویژه از آن روی که بازماندن این زبان واقعاً به واسطه کاربردی جماعتی و ناشی از ضرورت تفهیم و تفاهم در درون گروه

۱- همین نوشته، صص ۴۷-۵۰.

۲- جمشید سروشیان، فرهنگ بهدینان، به کوشش منوچهر ستوده، با مقدمه استاد ابراهیم پوردادوست، فرهنگ ایران زمین (شماره ۳)، ص هفده، تهران، ۱۳۳۵.

دینی زرتشتی و نیز وجه تمایزی برای جامعه بهدینان بوده و این نکته روشن است؛ بیگمان خواندن آن به نامی که ویژگی دینی جامعه گویندگان را به یاد آورد، سزاوار و موجه خواهد بود.

۲.۱. لهجه‌های زبان دری زرتشتی

اما قید «شهر یزد» بر نام این کتاب از آن روی ضروری است که زبان دری زرتشتی دارای لهجه‌های متعدد است. این لهجه‌ها گاهی در نزد گویندگانی دیده می‌شود که در مکانهای جغرافیائی، با فاصله اندک می‌زیسته‌اند و اختلاف لهجه آنها بارز بوده است. مثال ممتاز آن، لهجه ده خرمشاه (xormša)^۱ و کوچه‌بیوک (ki-biyog) است که اینک، به دلیل توسعه شهر، در درون یزد قرار گرفته‌اند و پیش از این فاصله آنها با شهر یزد چندان کم و ارتباطات چندان نزدیک بوده است که مثلاً دوشیزه جوانی،^۲ در قریب شصت و پنج سال پیش، می‌توانسته است بعنوان آموزگار دبستان، پیاده و همراه با دو بانوی آموزگار، گاهی تنها، هر صبح از شهر به خرمشاه برود و درس بدهد. اما اختلاف این لهجه‌ها صریح و روشن است و برای اهل زبان، خود نشانه‌ای است که می‌تواند زادگاه هرکس را تعیین کند و همچنان که سخن گفتن به زبان دری زرتشتی دلالت بر بهدینی دارد، از روی لهجه گوینده می‌توان دانست که هرکسی از کدام جای آمده است. نیز تقلید این لهجه‌ها وسیله‌ای برای شوخی و تفریح بوده است و برخی با لودگی لطیفه‌هایی را با اصطلاحات خاص گویندگان باز می‌گفتند. این رسم شیرین و قدیمی اینک برای نسل جوان چندان شناخته نیست و به فراموشی افتاده است.

هر یک از این لهجه‌ها با انتساب به نام آبادی و محل سکونت گویندگان آن خوانده می‌شود، مانند خرمشاهی و تفتی. برخی از این لهجه‌ها دارای ویژگیهای منحصر بفرد و یکتا، نظیر خرمشاهی و کوچه‌بیوکی و مریم‌آبادی، و نیز لهجه تقریباً از یاد رفته محمدآبادی؛ اما برخی دیگر در گروهی جای می‌گیرند که خود مرکب از چند لهجه نزدیکتر

۱- در اینجا و نیز وارد مشابه، برگردان دری زرتشتی برای واژه فارسی در درون کمانک آورده شده است.

۲- شادروان بانو خانم هرمزدزاده (خسروی) که در آن روزگار دختری جوان بوده است، به همراهی شادروان استاد شیرین جمشید مرزبان ملک و شادروان استاد بانو خانم یزشنی سالها این راه را می‌پیموده‌اند.